

## بیشگفتار

آشنایی با فرهنگ و میراث برجای مانده از یک ملت، همواره مستلزم بررسی، مطالعه و مُدَاقَه و فهم و درک روابط میان بنیادهای پدیده‌ها و مظاهر اجتماعی موجود در آن جامعه است. در این میان، تاریخ و تحقیقات و مطالعات وابسته به آن نقشی محوری و اساسی دارد. سرزمین ایران از دیرباز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و همچنین مهاجرت یا حملات اقوام و ملل دیگر به آن و نیز رسوخ فرهنگ ایرانی و آمیزش آن با فرهنگ سرزمینهای مجاور و ظهور نمونه‌های فرهنگی جدیدتر، خود، بستر لازم و مناسبی برای مطالعه و بررسی فراهم کرده است. البته از آنجا که بسیاری از مورخان بیشتر تلاش خود را صرف ضبط وقایع و حوادث سیاسی و حکومتی و ذکر نبردها و مانند آن کرده‌اند، کمتر به پدیده‌های مربوط به حیات فرهنگی پرداخته‌اند.

یکی از دیداری‌ترین و در عین حال زنده‌ترین نمونه‌های حیات فرهنگی یک جامعه، پوشاک و نوع لباس مردم آن جامعه است. آشنایی با تاریخ لباس و پوشاک ایرانیان، نه تنها ما را با ظاهر مردمانی که در ادوار مختلف تاریخی زندگی می‌کرده‌اند آشنا می‌سازد، بلکه درباره انواع سلیقه‌ها، نوع دوخت و رنگ مدل‌های مختلف لباس، بافت انواع پارچه‌ها، صادرات و واردات و قیمت البسه و پوشاک، تأثیرپذیری و تقلید از لباس مردمان نواحی دیگر، اختصاص پوشاکی خاص به گروه یا طبقه‌های اجتماعی و همچنین درباره چگونگی روند و تکامل انواع پوششها، اطلاعات مفید و جالب توجهی ارائه می‌کند.

تاریخ پوشاک ایران را، به دلیل گستردگی موضوعی آن، باید در سه محدوده تاریخی بررسی کرد.

**دوره اول.** پوشاک ایرانیان از قدیمی‌ترین ازمنه تا پایان حکومت ساسانیان که شامل پوشاک تمدنهای ماقبل آریایی در ایران مانند ایلامیان، لولوبیها، گوتیها و پوشاک تمدنهای آریایی یعنی مادها، هخامنشیان، سلوکیان و اشکانیان و ساسانیان خواهد بود (پوشاک ایران باستان).

**دوره دوم.** پوشاک ایرانیان از ورود اسلام به ایران تا پایان حکومت زندیه (پوشاک ایران اسلامی) که در سطور بعدی درباره آن بحث خواهد شد.

**دوره سوم.** پوشاک ایرانیان از ابتدای قاجار تاکنون (پوشاک دوران اخیر).

در بررسی دوره اول، کار محقق بیشتر بر پایه نقوش برجسته و نتایج حفاریها و آثار باستانشناسی استوار است و البته در این راه می‌توان از کتب تاریخی و متون مربوط به آن دوران نیز استفاده کرد. نقش برجسته‌ها، حجاریها، فرسکهای دیواری، مُهرها و تابلتها یا اثر آنها، کاشیکاریها و موزائیک کاریهای منقوش، نقوش روی سکه‌ها به همراه متون تاریخی در زمره منابع و مآخذ اصلی محقق به شمار می‌روند. به هر حال هر چند در این مورد کسانی چون جلیل ضیاءپور، یحیی ذکاء، محمد مشیرپور، عیسی بهنام، سهیلا شهبهانی، ارنست هرتسفلد، دوزی، هرمان گوتز و استیلین کتب و مقالاتی تهیه کرده‌اند، تاکنون پژوهشی کامل و جامع که علاوه بر بهره جستن از منابع و مآخذ موجود تقریباً به تمامی شئون و مسائل مربوط به آن بپردازد، صورت نگرفته است.

پژوهش درباره دوره سوم نیز با توجه به تأثیراتی که در نتیجه ارتباط با سرزمینهای دیگر پذیرفته است حائز اهمیت بسیار است. البته برای پژوهش، منابع و مآخذ این دوره فراوان، متنوع و پرشمارند. برخی نقوش حجاری شاهان قاجار مانند نقش فتحعلیشاه و همراهان در چشمه علی؛ انبوه عکسها، طرحها و نیز فیلمهای تهیه شده؛ نوشته‌های فراوان تاریخی و نیز گزارشهای سفرنامه نویسان اروپایی و نیز مورخان و محققان ایرانی، در دسترس محقق است و او را در این بررسی و پژوهش کمک بسیار خواهد کرد.

مجموعه فوق به بررسی و تحقیق درباره دوره دوم پرداخته است، یعنی پوشاک ایرانیان از ورود اسلام به ایران تا پایان حکومت زندیه؛ اما به دلیل گستردگی این دوره دوم خود به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول، از ابتدای ورود اسلام به ایران تا ابتدای حمله مغول (۶۱۶ ه. ق.) و بخش دوم، از هجوم مغولان تا پایان حکومت زندیه و اوایل قاجاریه.

کتابی را که پیش رو دارید، بخش اول از دوره دوم است، یعنی پوشاک ایرانیان از ابتدای ورود اسلام به ایران تا حمله مغول که در یک مقدمه و سه فصل تهیه شده است.

در مقدمه به طور خلاصه به پوشاک و نوع لباس ایرانیان در زمان ساسانیان پرداخته می‌شود. منظور اصلی بررسی پوشاک ساسانیان نیست، بلکه این مقدمه به عنوان مدخلی برای ورود به بحث اصلی است و به دلیل سابقه تاریخی و تأثیراتی که در ادوار بعدی، بویژه در دوران عباسیان، برلباس ایرانیان داشته، ارائه شده است.

در **فصل اول** درباره پوشاک از ابتدای اسلام تا پایان حکومت عربی بنی‌امیه (۱۳۲ ه. ق.) بحث می‌شود. از این دوره، به سبب نفوذ و تسلط عنصر عربی در بسیاری از شئون اجتماعی و فرهنگی و از آن جمله پوشاک و لباس، به عنوان «لباس عربی - ایرانی» یاد شده است. البته به دلیل اطلاعات نسبتاً کافی و روشنی که از لباس پیامبر اکرم (ص) در منابع ذکر شده، می‌توان البسه آن حضرت را نمونه نسبتاً کاملی از برخی از البسه اعراب آن دوران دانست. بدین سبب این فصل با بحث در مورد لباس پیامبر اسلام

آغاز می‌شود - که البته به دلیل حرمت و قداست آن حضرت این قسمت فاقد هر گونه طرحی است - و با بحث در مورد لباس خلفای راشدین و خلفای بنی‌امیه به همراه طرحهایی ادامه می‌یابد.

در **فصل دوم** انواع پوشاک از ابتدای حکومت عباسیان (۱۳۲ ه. ق) تا روی کار آمدن ترکان مطرح می‌شود. این فصل خود شامل دو بخش است، بخش اول آن به حکومت «عربی - ایرانی» عباسیان می‌پردازد که به سبب نفوذ عنصر ایرانی در حیطه فرهنگی و از آن جمله لباس و پوشاک، از آن به عنوان «لباس ایرانی - عربی» یاد شده است. بخش دوم این فصل به حکومت‌های ایرانی در شرق، یعنی طاهریان، صفاریان، سامانیان و در شمال علویان طبرستان و در مرکز و مغرب، آل‌زیار و آل‌بویه می‌پردازد. ادامه سنت‌های قبل از اسلام، بویژه عصر ساسانی، در مورد لباس و پوشاک در این بخش با وضوح بیشتری دیده می‌شود.

**فصل سوم** به پوشاک دوران تسلط حکومت‌های ترک در ایران، یعنی غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان می‌پردازد. از این دوره به سبب تسلط عنصر ترک و امتزاج آن با فرهنگ ایرانی، با عنوان «لباس ایرانی - ترکی» یاد شده است.

در اینجا لازم است به تحقیقات برخی از محققان درباره لباس و پوشاک ایرانیان اشاره شود. یکی از محققان هلندی به نام رینهارت دوزی، در این باره فرهنگی به نام فرهنگ البسه مسلمانان نوشته است. وی که در سنین جوانی این فرهنگ را تألیف کرده است، نام بسیاری از انواع پوشاک و لباسهایی را که مردمان گذشته می‌پوشیده‌اند، به ترتیب الفبایی ذکر کرده و در ذیل هر نام توضیحات نسبتاً کاملی ارائه کرده است. اما در مطالعه این کتاب ارزشمند، بویژه در حیطه پوشاک ایرانیان، بی‌توجهی نویسنده به برخی از موارد که به آنها اشاره می‌شود، پژوهشگر را با مشکلات و موانعی جدی روبه‌رو می‌سازد.

اگرچه در فهرست منابع و ماخذ دوزی ما با کتب اصلی و منابع متقدم روبه‌رو می‌شویم - و این بر ارزش و اهمیت اثر او افزوده است - استفاده نسبتاً زیاد او از کتبی که جنبه‌های تاریخی ضعیف‌تر یا مشکوک‌تری دارند، مانند الف لیله و لیله - که مفاهیم آن مربوط به سرزمین‌های گوناگون و نوشتن آن نیز مربوط به دوران‌های متفاوت است - محتوای اثر او را با مشکلاتی روبه‌رو ساخته است. همچنین، توضیحات وی در ذیل هر مدخل، بیشتر مربوط به سرزمین‌های غربی‌تر جهان اسلام است؛ به بیان دیگر وقتی او به توضیح «صدره» - نوعی جلیقه - می‌پردازد، صدره‌ای را تشریح می‌کند که مردم اسپانیا، شمال آفریقا، الجزایر، مراکش، مصر، شام و در نهایت سوریه و عراق عرب می‌پوشیده‌اند، نه صدره‌ای که مردم ایران بر تن می‌کرده‌اند. بی‌توجهی برخی پژوهشگران دیگر نیز به این موضوع باعث شده است تا به غلط برخی ویژگی‌های لباس‌های نواحی غربی‌تر را با لباس ایرانیان تطبیق دهند و بر این اساس به نتایج و بررسی‌های نادرستی رهنمون شوند. سرانجام اینکه دوزی در سالیانی دور این اثر با ارزش را به تحریر درآورده است، یعنی در زمانی که بسیاری از متون شرقی و در ارتباط با تاریخ و فرهنگ ایران هنوز تصحیح و چاپ نشده بود، بنابراین در فهرست منابع او ما به تعداد محدود و انگشت شماری از منابع مربوط به تاریخ ایران برمی‌خوریم.

اثر دیگر این محقق ذیل قوامیس عرب نام دارد. این کتاب اثری لغوی است که در آن در حیطه ادبیات عرب به شرح و توضیح و تفسیر لغات مشکل قوامیس عربی پرداخته شده و درباره برخی از لغات و اسامی مربوط به پوشاک و لباس توضیحاتی آمده است.

در میان محققان ایرانی شاید بتوان پژوهش‌های جلیل ضیاءپور را منحصر به فرد دانست. وی در مورد پوشاک ایرانیان قبل و بعد از اسلام و همچنین پوشاک بانوان ایران و نیز زیورآلات آنان، آثار باارزشی به رشته تحریر درآورده است. در مورد آثار او ذکر این نکته ضروری است که بیشتر اطلاعات و تحقیقات وی بر آثار به اصطلاح «دیداری» استوار است. به بیان دیگر مینیاتورها، نقاشیها، طرح‌های روی سفالها و ظروف فلزی، گچ‌بریهایی که در آنها طرح‌های انسانی است، فرسکه‌ها، تندیسها و مانند آن، از جمله منابع اصلی تحقیق این محقق ارجمند به شمار می‌روند - که البته این خود یک ویژگی مثبت بوده و دلالت تام بر علمی بودن تحقیقات ایشان دارد. اما متأسفانه به موازات این توجه و استفاده از منابع دیداری، وی از منابع و متون تاریخی، جغرافیایی و مانند آن کمتر بهره برده و هر چند در بعضی از نوشته‌هایشان به منابع تاریخی، ارجاعاتی شده است، این ارجاعات انگشت شمار است. تحقیقات هرمان گوتز در مورد لباس ایرانیان در مجموعه شاهکارهای هنر ایران (زیر نظر پوپ)، مقاله «لباس» استیلین در دایره‌المعارف اسلام و مقالات محققان دیگر در مورد البسه و پوشاک در دایره‌المعارف‌های فارسی، عربی و لاتین، اثر محمد مشیرپور در مورد لباس ایرانیان باستان، تاریخچه پوشش سر در ایران اثر سهیلا شهبهانی و مقالات دیگری از عیسی بهنام، یحیی ذکاء، ارنست هرتسفلد و مانند آن، در زمره کارهایی است که در زمینه لباس ایرانیان صورت گرفته است (برای آگاهی بیشتر می‌توان به فهرست منابع و ماخذ مندرج در پایان کتاب مراجعه کرد).

در مورد چگونگی استفاده از منابع تاریخی و جغرافیایی و مانند آن و اطلاعاتی که در کتب منبع درج شده است باید گفت تقریباً مطالبی که در اکثر این منابع در مورد لباس و پوشاک ذکر شده، کلی و تا اندازه‌ای نامفهوم و فاقد جزئیات است. از طرف دیگر دوره مورد نظر یعنی شش قرن اولیه اسلام، بویژه سده‌های اولیه آن، تقریباً فاقد نقاشی‌های دیواری و همچنین مینیاتورهای کتب خطی است و، همان گونه که قبلاً ذکر شد، این فقدان صورتگری به دلیل حرمت و کراهتی است که در قرون اولیه اسلام نسبت به نگارگری پدید آمد؛ و هم به سبب جنگ‌ها و کشمکش‌های ویرانگری است که به از میان رفتن شمار بسیاری از آثار از این دست منجر گردید. به همین دلیل، محقق باید شمار نسبتاً زیادی از منابع و ماخذ را بررسی و مطالعه کند تا بتواند مواد

و مصالح اولیه کار خود را جهت نیل به تحقیقی جامع و مبسوط و متقن فراهم آورد. برای اطلاع بیشتر از این منابع می‌توان به فهرست منابع مندرج در آخر کتاب مراجعه کرد.

البته مهمترین بخش از منابع برای تحقیق در مورد پوشاک، منابع «دیداری و تصویری» است. نقاشیهای دیواری، فرسکهها، گچبریها، تندیسها، نقوش روی سفال و ظروف فلزی و بویژه مینیاتورهای کتب خطی، سکهها، مدالها و بسیاری از آثار موزه‌ای و مانند آن حائز اهمیت بسیاری دارند. البته این تصاویر و نقوش محدود و کم شمارند. اما آنچه مهم است، انتساب این نقوش و تصاویر به دورانه‌های تاریخی است، به این ترتیب که مشخص شود تصویر مورد نظر، مربوط به چه دوره و چه سرزمینی است. پس از آن باید مشخص گردد که تصویر مربوط به چه کسی یا کسانی است؛ یعنی به چه جایگاه اجتماعی و طبقاتی مربوط می‌شود. به هر حال در مجموعه‌ای که پیش رو دارید، هم متون تاریخی، جغرافیایی، ادبی، فقهی، رجالی، لغوی و مانند آن و هم مینیاتورها، نقوش، تصاویر نسخ خطی، طرحهای سفالینه‌ها، ظروف فلزی، کاشیها، فرسکهها، تندیسها و مانند آن مطالعه و بررسی شده است. از این رو، شاید بتوان گفت از نظر توجه و استفاده از منابع گوناگون (نوشتاری و دیداری)، این مجموعه کاری است نو و شاید در تاریخ مطالعات پوشاک ایرانیان بعد از اسلام بی‌سابقه. با وجود این، این کار نیز به رغم دقت و وسواسی که در تهیه آن به عمل آمده است، خالی از اشکال و لغزش نیست، بویژه آنکه این تحقیق را نویسنده در شرایطی انجام داده است که تا حد زیادی نامساعد و نامناسب می‌نمود، به هر حال امید است مورد توجه و استفاده محققان و دانشجویان قرار گیرد.

در پایان ذکر چند نکته درباره کتاب حاضر لازم و ضروری است:

۱. برای دوری از تطویل کلام و پرهیز از حجیمتر شدن مجموعه، بسیاری از مطالب حاشیه‌ای حذف شده است. بدین ترتیب مطالب اصلی و اساسی، در متن کتاب جای گرفته و آنهایی که نبودشان خللی در تفهیم مطلب اصلی وارد می‌کرد، به صورت یادداشتهای در آخر هر فصل آمده است. این خلاصه‌نگری در طراحی تصاویر نیز مورد نظر بود. با وجود این، تصاویری که در ابتدا برای مجموعه فوق در نظر گرفته شده بود در حدود ۲۵۰ تصویر برآورد می‌شد، ولی در ادامه کار از مرز ۵۰۰ تصویر گذشت و اگر این خلاصه‌نگری نبود این تعداد به ۶۰۰ هم می‌رسید. به همین دلیل در طراحی برخی از البسه مردمانی که تا حدی همشکل بودند و تنها از نظر رنگ یا جزئیات کم اهمیت‌تر دیگر تفاوت داشتند، به ذکر یک یا دو نمونه اکتفا شده است.

۲. در تصاویر و طرحهای کشیده شده، هدف، تفهیم نوع لباس و نشان دادن پوشاک هر طبقه بوده است. این تذکر از این بابت است که اگر برخی از تصاویر تا اندازه‌ای ابتدایی به نظر می‌رسند یا فاقد زیباییهای هنرمندانه و به کار رفته در صورتگری هستند به این دلیل است که هدف طراحان و مؤلف، بیشتر نشان دادن طرحها و شکلها به صورت گویا و صحیح بوده است تا ارائه کاری هنرمندانه و زیبا.

۳. در منابع مورد مطالعه، در بسیاری از مواقع، مفاهیم مربوط به لباس، یعنی نام لباسها در هم خلط شده است، یعنی مؤلفان متقدم در آثار خود میان قبا، عبا، کسا، یا جبه؛ ردا و دُرَاعه و نعلین، حُف و قَبَقاب تفاوتی قائل نشده‌اند، این درهم آمیختگی معانی، بویژه در برخی از ترجمه‌های فارسی آثار عربی یا لاتین، بیشتر دیده می‌شود. به همین سبب منابع و مأخذ اصلی غیر فارسی (عربی یا لاتین) با ترجمه‌های فارسی آنها مقایسه شده و ارجاع به ترجمه‌های فارسی در یادداشتهای آخر هر فصل بلافاصله بعد از ارجاع به متن اصلی داخل پرانتز آمده است. بدین لحاظ و برای به دست آوردن معانی واقعی و صحیح برخی از مفاهیم، مراجعه به متن اصلی ضروری بوده است. اما با کمال تأسف باید گفت که در برخی از موارد، متن اصلی نیز دچار چنین نُقصانی است چون مؤلف اثر هنگام تحریر، هدفش ضبط وقایع یا توضیح مطالبی دیگر بوده، بنابراین به این جزئیات و تفاوتهای ریز میان برخی از مفاهیم شبیه به هم دقت زیادی نکرده است؛ اما تا آنجا که امکان داشته توضیحات منابع و متون نوشتاری با تصاویر و نقوش مربوط به آن دوره، مقابله و مقایسه شده است تا این نقص به حداقل برسد.

به هر حال امید است در آینده بتوان این کار را ادامه داد؛ زیرا درست از نقطه‌ای که مجموعه فوق به پایان می‌رسد (حمله مغول ۶۱۶ ه. ق) ما با اطلاعات دقیق‌تر و مشروح‌تری در مورد پوشاک و لباس مردم در متون تاریخی و مانند آن و بویژه در تصاویر روبه‌رو می‌شویم. چرا که از این دوره به بعد هم هنر نگارگری بسرعت رو به رشد و گسترش می‌گذارد و هم فن کتاب‌نویسی و وقایع‌نگاری به دوره‌های مترقی و پرشکوه خود نزدیک می‌شود.

در پایان از همکاری که در فراهم آوردن مجموعه فوق یاری رسانده‌اند تشکر و سپاسگزاری می‌شود. طرحهای این مجموعه کار خانمها دکتر ناهید زرگسرای و طیبه رئیسی است.



